

بزرگانی که فراموش شده اند

در سال 1348 اتفاقی در ابرکوه رخ داد که ایران را تکان داد، جنازه عالم وارسته ای بعد از 72 سال سالم پیدا شد اما این عالم که در کتاب شهید دستغیب نیز از آن یاد شده، مانند دیگر عالمان این خطه در حال فراموش شدن است.



جسدی که 72 سال تازه ماند/

اتفاقی که ایران را تکان داد/ بزرگانی که فراموش شده اند

خبرگزاری مهر: در سال 1348 اتفاقی در ابرکوه رخ داد که ایران را تکان داد، جنازه عالم وارسته ای بعد از 72 سال سالم پیدا شد اما این عالم که در کتاب شهید دستغیب نیز از آن یاد شده، مانند دیگر عالمان این خطه در حال فراموش شدن است. به گزارش خبرنگار مهر، ابرکوه در گذشته و اکنون از وجود علما و بزرگان بسیاری بهره برده است که بسیاری از آنها با وجود اینکه در اذهان مردم ماندگار شده اند، در دنیای رسانه ها که ابزار مهم انتقال به نسل های آینده هستند، مهجور مانده اند.

یکی از این عالمان که در شهرستان کهن ابرکوه می زیست، "حاج ملا محمد صادق امام" است که به واسطه اتفاق نادری که در مورد وی پیش آمد، تنها جایی در کتاب داستان های شگفت شهید محراب دستغیب پیدا کرد و هیچ تحقیق دیگری در مورد این عالم بزرگ صورت نگرفته است.

این اتفاق شگفت و زندگی "حاج ملا محمد صادق امام" در این گزارش برای اولین بار در دنیای رسانه مطرح می شود و امید که با بررسی آن گامی هر چند کوچک در معرفی این عالم بزرگ که شهرتی جهانی دارد برداشته شود.

مروری بر احوال ماجرا در کتاب داستان های شگفت

ماجرای جنازه سالم امام پس از 72 سال با عنوان، "جنازه پس از 72 سال تازه است"، در کتاب داستان های شگفت آیت الله شهید دستغیب روایت شده است.

شهید دستغیب در این کتاب آورده است: [پیر روشن ضمیر حاج محمد علی سلامی اهل ابرقو (از توابع یزد) که سن شریف او قریب نود سال است و هرگاه شیراز می آید در جماعت مسجد جامع حاضر می شود، نقل کرد که در سنه 1388 در ابرقو از طرف شهرداری مشغول حفاری شدند برای فلکه خیابان، ناگاه رسیدند به سردابی که در آن جسد عالم بزرگوار "حاج ملا محمد صادق" بود که در 72 سال قبل فوت شده بود، دیدند بدن تازه است مثل اینکه همان روز دفن شده و انگشتان و ناخن هایش تماما سالم است.

حاجی مزبور نقل کرد که من در اول جوانی آن بزرگوار را درک کرده بودم و چون وصیت کرده بود که جنازه اش را به نجف اشرف حمل کنند پس از فوت، جنازه اش را به طور موقت در سرداب امانت گذاشتند و بعد مسامحه شد تا اینکه وصی آن مرحوم هم فوت شد و دیگر کسی پیدا نشد برای حمل جنازه و از خاطره ها محو گردید تا آن روز پس از 72 سال جنازه را بیرون آوردند و در تابوت گذارده به قم حمل شد تا از آنجا به نجف اشرف حمل شد].

انعکاس خبری مطبوعات

یکی از روزنامه های مطرح کشور در بهمن ماه سال 1348 شمسی با تعجب خبری را با عنوان، جسدی پس از 65 سال سالم و تازه از زیر خاک خارج شد، با تیتیر درشت منتشر کرد.

این روزنامه نوشت: [در گورستان متروکه ابرقو جسد مردی که 65 سال پیش فوت کرده است تازه و بدون هیچگونه تغییری از زیر خاک خارج شد، به طوریکه هنوز رنگ حنای ریش و ناخن های متوفی زایل نشده است. خبرنگار ما در آباده جریان واقعه را به شرح زیر گزارش داد: بر اساس طرحی که شهرداری آباده تهیه کرده بود، قرار شد قبرستان متروکه ابرقو که سالها از قدمت آن می گذرد به پارک تبدیل شود، اما در این محل یک مرد روحانی به نام حاج محمد صادق به خاک سپرده شده بود و قبل از مرگ وصیت کرده بود استخوانهایش را به عتبات عالیات حمل کنند.

مسئولان شهرداری که قصد تخریب گورستان را داشتند ضمن تماس با بستگان مرحوم حاج محمد صادق دستور نبش قبر او را دادند ولی هنگامی که کارگران سرگرم کندن قبر بودند ناگهان جسد تازه و دست نخورده مرحوم حاج محمد صادق از زیر خاک بیرون آمد... جریان به مسئولان شهرداری اطلاع داده شد، معتمدان محلی و عده ای از بستگان مرحوم حاج محمد صادق به قبرستان ابرقو آمدند و جسد او را با شگفتی فراوان در صندوقی گذاشتند تا بعداً به قم حمل و در آن جا دفن شود.

این واقعه شگفت انگیز، حیرت اهالی آباده را برانگیخته و تاکنون عده کثیری از نزدیک این جسد عجیب را دیده اند.]

روزنامه ها در آن زمان مدت زمان دفن جنازه در خاک را 65 سال اعلام کردند در حالی که در مستندات، کتاب آیت الله دستغیب و نقل قول های خانواده حاج محمد صادق امام این زمان 72 سال اعلام شده است.

برخی دیگر از روزنامه ها نیز قسمت بزرگی از صفحات خود را به این خبر اختصاص داده بودند.

مردم درباره جریان چه می گویند؟

این جریان که بهت و حیرت مردم محلی و بازدیدکنندگان شهرهای اطراف را به دنبال داشت نقل و قول های افراد کهنسال را به دنبال داشت که هنوز برخی از افراد به این نقل و قول ها اشاره می کنند و در مطبوعات آن زمان نیز به برخی از آنها اشاره شده است.

این افراد از مرحوم ملا محمد صادق (معروف به ابرقوئی) با عنوان عالمی باتقوا و پرهیزگار یاد می کنند که مردی قوی هیکل بوده است.

45 سال قبل از آخرین نبش قبر نیز نوه حاج محمد صادق امام، جسد را برای بردن به عتبات عالیات نبش قبر کرد اما جسد وقتی دیدند که جسد همانطور سالم است سنگ گور را گذاشتند و پس از آن نیز انتقال جسد منتفی شد

به گفته آنان 45 سال قبل نیز که نوه آن مرحوم برای بردن جسد به عتبات عالیات قبرش را نبش کرد، جسد همانطور سالم و تازه به چشم خورد که به همین علت سنگ گور را گذاشتند و پس از آن گویا انتقال جسد به عتبات عالیات منتفی شد.

مرحوم سید احمد مهدوی که در آن زمان 87 سال داشت درباره مرحوم شیخ محمد صادق امام اظهار داشته است: مرحوم مردی بود خوش سیما، با اندامی درشت و ورزیده که حکایت از ورزشکار بودن وی در جوانی می کرد، وی ریشی انبوه داشت و در ورزش کشتی سرآمد همگان بود. همیشه با اسب سفیدی که داشت به سفر می رفت و شمشیر بلندی نیز از زین اسبش آویخته بود.

مرحوم سید مرتضی آتشی نیز که چند دهه مودنی مسجد جامع ابرکوه را به عهده داشت و جنازه مرحوم شیخ محمد صادق را با کمک چند نفر از زیر خاک ها بیرون آورده است اظهار می دارد: وقتی جسد نمایان شد، من فکر کردم همین که به آن دست بزنم اعضا و جوارح آن از یکدیگر متلاشی خواهد شد ولی با کمال تعجب مشاهده کردم که جنازه کاملاً تازه و سالم است.

روحانی منطقه به نام سید محمد قیومی واعظ نیز از جنازه دیدن کرده بود و تازه ماندن جسد را تایید کرده بود، حتی ریش سفید و حنا بسته مرده به همان حال که هنگام مرگ دفن شده بود، باقی مانده بود اما این روحانی در مورد کفن میت اظهار می دارد که کفن کاملاً پوسیده بود.

نکته ای که برای مردم عجیب بود این مسئله بود که اجساد پسر و عروس شیخ محمد صادق که چندین سال بعد از فوت وی فوت کرده و در نزدیکی قبر آن مرحوم دفن شده بودند به کلی پوسیده و از آنها جز مشتی استخوان باقی نمانده بود.

نبیره مرحوم امام چه گفت؟

نبیره حاج ملا صادق در مورد جد خود به خبرنگار مهر گفت: اجداد ما همگی روحانی بودند و جد اعلای آنان ملاعلی کرم خواهرزاده کریم خان زند بود که عالمی وارسته بود و همگی در فضل و تقوی سرآمد بودند.

محمد صادق امام افروز: در مورد حاج شیخ محمد صادق امام از قول مردم و عموهایم تعریف می کنند که ایشان قبل از به سن تکلیف رسیدن علاوه بر واجبات در ادای مستحبات و اقامه نماز شب نیز می کوشیدند و غسل جمعه ایشان نیز ترک نمی شد.

وی در مورد اهمیت دادن ایشان به غسل جمعه اظهار داشت: ایشان در سفرهایی که با اسب انجام می دادند و در قریه مهیار، به واسطه نبود آب، یخ حوض را شکسته و غسل جمعه را به جا آوردند.

به گفته وی، ایشان از شاگردان آیت الله فشارکی بودند و موقعی که مردم از ایشان برای امامت نماز دعوت می کردند خود را برای امام جماعت شدن عادل نمی دانستند.

ناگفته های یک شاهد عینی

محمد صادق امام 75 ساله در مورد مشاهدات عینی خود از پیدا شدن مرحوم امام اظهار داشت: وقتی که قرار شد در محل قبرستان متروکه واقع در جنب مسجد جامع ابرکوه ساخت پارک توسط شهرداری صورت بگیرد به ما که در این محل دارای مقبره خانوادگی بودیم اطلاع داده شد که برای تخریب مقبره اقدام کنیم که عکس العمل شدید مردم در مورد تخریب این مقبره توسط شهرداری را مشاهده کردیم.

وی افزود: در نهایت با مراجعه مسئولان دادگستری آن وقت آباده مقرر شد که مقبره تخریب ولی قبر این عالم بزرگ در محل باقی بماند.

امام ادامه داد: مردم با ذکر این مسئله که باقی ماندن قبر آن مرحوم در محل باعث هتک حرمت ایشان است از ما خواستند که جنازه را تا زمان ارسال به عتبات عالیات به امامزاده احمد ابرکوه منتقل کنیم.

این شاهد عینی افزود: بعد از نبش قبر آن مرحوم با کمال تعجب مشاهده کردیم که جنازه کاملاً سالم است و حتی ریش حنا بسته ایشان نیز سالم مانده بود.

جنازه به حدی سالم بود که هنگامی که ایشان را به واسطه برخورداری از هیكلی قوی به زور و با فشار در تابوت جا دادیم هیچ آسیبی ندید و جسد چندین سال در امامزاده احمد ابرکوه نگهداری شد
نبیره حاج محمد صادق امام

وی در مورد میزان سالم بودن جنازه اظهار داشت: جنازه به حدی سالم بود که با توجه به اینکه تابوتی که برای ایشان ساخته بودیم اندازه معمولی داشت و ایشان فردی قوی هیکل بود، ناگزیر از فشار دادن جنازه و جای دادن آن با فشار در تابوت شدیم و جسد نیز هیچ آسیبی ندید و بعد از آن نیز جسد به امامزاده احمد منتقل شد و چندین سال به همین صورت مردم از جسد در اتاقی در امامزاده دیدن و شمع روشن می کردند که بعد از آن روی آن پوشش داده شد تا بعد از فراهم شدن موقعیت ایشان به عتبات عالیات منتقل شوند که تاکنون این موقعیت فراهم نشده است.

امام افزود: این اتفاق مردم دیگر مناطق کشور و خبرنگاران را تا مدتها به ابرکوه می کشاند و مطبوعات آن زمان با تیترهای درشت به آن می پرداختند و شهید دستغیب نیز آن را در کتاب داستان های شگفت به ثبت رساند.

به گفته وی مسئله جالب برای مردم این بود که قبر فرزند و عروس ایشان در این مقبره که چند 10 سال بعد دفن شده بود کاملاً از بین رفته بود و فقط استخوان آنها باقی مانده بود.

شهید دستغیب در ذیل درج این ماجرا و در مورد علل سالم ماندن اجساد آورده است:

[خواننده عزیز بدانند که بعضی از ارواح شریفه در اثر قوت حیات حقیقی که دارند ابدان شریفه آنها که سالها با آن کار کردند و طریق عبودیت را پیمودند و پس از مفارقتشان از آن در جوف خاک مستور شده از نظر و توجه آنها پنهان نیست و از اینرو برای مدت نامعلومی بدنهای آنها تازه می ماند و ابدان شریفه بسیاری از پیغمبران و امامزادگان و علمای بزرگ پس از گذشتن صدها سال از فوت آنها در قبرشان تازه دیده شده و در کتب معتبره تواریخ ثبت گردیده است؛ مانند حضرت شعیب و حضرت دانیال و حضرت احمد بن موسی شاهچراغ و سید علاءالدین حسین و جناب ابن بابویه شیخ صدوق در ری و جناب محمد بن یعقوب کلینی در بغداد و غیر آنها که شرح هریک خارج از وضع این رساله است.]

آیا به تکلیف خود عمل کرده ایم؟

یکی از نکاتی که متأسفانه در بسیاری از موارد مورد غفلت واقع شده است توجه به عالمانی است که هنوز می توانند به عنوان یک الگو هدایت گر جامعه باشند.

نبیره این مرحوم با گلایه از اینکه در دنیای امروز هیچکس حتی رسانه ها به معرفی چنین عالمان بزرگی اهمیت نمی دهند، از خبرگزاری مهر که برای نخستین بار در این راستا تلاش کرده است، قدردانی کرد.

وی از متولیان گرامیداشت علمای شهر ابرکوه که تعداد آنها کم نیست خواست تا معرفی شخصیت های برجسته و عالمان بزرگ این دیار را در دستور کار خود قرار دهند و از آنها حداقل به اندازه یادکرد از حاکمان ابرکوه در تنها موزه شهر یادی کنند.

گزارش: رحیم میرعظیم